مجلّه‌ی جغرافیا و توسعه‌ی ناحیه‌ای، شماره‌ی هفتم، پاییز و زمستان ۱۳۸۵

دکتر مجید یاسوری
دانشگاه فردوسی مشهد

بررسی وضعیّت تحوّلات جمعیّتی و راهبردهای توسعه‌ی روستایی در استان خراسان رضوی

چکیده

نظام فضایی سکونتگاه‌های روستایی استان خراسان رضوی، متأثّر از عوامل متعددی چون: شرایط ناهمواری‌ها، آب و هوا، منابع آب، خاک و پوشش گیاهی، نحوه‌ی سرمایه گذاری‌ها و سیاست‌های گذشته، دارای وضعیّت خاصّی است. اولین مؤلّفه‌ای که در این زمینه تحت تأثیر قرار می گیرد، جمعیّت روستایی است. تعداد، پراکندگی و حرکات جمعیّت روستایی، در ارتباط با عوامل محیطی، اقتصادی و اجتماعی، باعث به‌وجود آمدن سه ناحیه‌ی مشخص روستایی در نواحی شمالی، مرکزی و جنوبی آن شده است. شناخت قابلیّت‌ها و محدودیّت‌های توسعه‌ی روستایی استان، می‌تواند در تدوین راهبردهای توسعه‌ی روستایی منطقه بسیار مؤثر واقع شود. در این نوشتار سعی شده است تا با شناخت نسبی قابلیّت‌ها و محدودیّت‌های روستایی استان، راهبردهایی برای توسعه‌ی روستایی منطقه ارائه شود.

درآمد:

استان خراسان رضوی دارای ۱۲۷۷۴۰ کیلومتر مربع (۷/۸ درصد از مساحت کشور) وسعت است. این استان دارای ۸۴۱ کیلومتر مرز مشترک با کشور افغانستان و ترکمنستان بوده و با استان‌های: خراسان شمالی، خراسان جنوبی، سمنان و یزد، هم مرز است. این استان دارای ۶۲ بخش، ۱۵۸ دهستان و ۳۷۶۶ آبادی دارای سکنه است. (سازمان مدیریت برنامه‌ریزی خراسان رضوی، ۱۳۸۳: ۳). تراکم نسبی جمعیّت این استان، ۴۲ تن در کیلومتر مربع است. بر اساس گزارش سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی خراسان رضوی، این استان در سال ۱۳۸۳ دارای پنج میلیون و ۴۳۰ هزار تن جمعیّت بوده، که حدود ۳۹ درصد از جمعیّت استان را تشکیل می دهد. علی رغم وجود کلان‌شهر مشهد در این استان، درصد جمعیّت روستایی از میانگین کشوری بالاتر است و این موضوع، بررسی

و پی بردن به قابلیّت‌ها ومحدودیّت‌های توسعه‌ی روستایی استان را ضروری ساخته است. از طرف دیگر مجاورت با مرزهای کشور افغانستان که در دو دهه‌ی قبل کانون بحران‌های سیاسی بوده، مجاورت با نواحی کویری و محدودیّت‌های شدید اقلیمی، مشکلاتی در نواحی روستایی استان ایجاد کرده است. بنابراین، شناخت وضعیّت جمعیّت روستایی و روند تحوّلات و تغییرات آن، قابلیّت‌ها، محدودیّت‌ها و راهبردهای توسعه، می‌تواند در برنامه‌ریزی نواحی روستایی این استان بسیار مؤثّر باشد.

تعداد جمعیّت روستایی و روند تحوّلات آن در استان

جمعیّت روستایی استان خراسان رضوی در دو دهه‌ی گذشته (۷۵- ۱۳۵۵) حدود ۱۴۶۱۰۰۰ تن (۱۳۵۵)، ۱۹۴۴۰۰۰ تن(۱۳۶۵) و ۱۹۲۳۰۰۰تن(۱۳۷۵) بوده است. نرخ رشد جمعیّت روستایی طی دو دهه، از ۲/۹ درصد در دهه‌ی ۶۵ـ ۱۳۵۵ به ۰/۱۱- درصد در دهه‌ی بعد(۷۵-۱۳۶۵) کاهش یافته است. این موضوع بیانگر تحوّلات عمده‌ای در وضعیّت جمعیّت روستایی استان خراسان است. کاهش سهم نسبی و نرخ رشد جمعیّت روستایی استان را می‌توانیم به دو عامل اصلی نسبت دهیم. بخشی از کاهش به دلیل ورود مهاجران افغانی طیّ دهه‌ی۶۵ـ ۱۳۵۵به برخی از شهرستان‌های استان و سپس خروج آنان در دهه‌ی۷۵-۱۳۶۵ بوده است. بخشی دیگر، کاهش نرخ رشد طبیعی جمعیّت ناشی از تأثیر برنامههای تنظیم خانواده وکنترل جمعیّت و تحرّک و جابجایی جمعیّت در داخل استان بین نقاط روستایی و شهری است. از جمله شاخص‌هایی که بیانگر تغییرات مربوط به جابجایی جمعیّت است، شاخص نرخ رشد جمعیّت می‌باشد. لذا با بررسی شاخص نرخ رشد، به تحوّلات مربوط به جابجایی جمعیّت روستایی استان می‌توان پی برد.

پس از بیان تأثیر دو عامل؛ «مهاجران افغانی» و «رشد طبیعی جمعیّت»، می‌توانیم از مجموعه عوامل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به عنوان عوامل اصلی تحوّلات جمعیّتی استان یاد کنیم. هرچند شناخت دقیق میزان تأثیر هر یک از مجموعه‌ی عوامل برشمرده، خود نیاز به تحقیق و مطالعه‌ی جداگانه دارد. با این وجود، حسب دریافتی که از نرخ رشد جمعیّت روستایی شهرستان‌های مختلف استان می‌شود، تفاوت داده به گونه‌ای است که تقسیم‌بندی متداول استان را حسب اوضاع کلّی طبیعی و جغرافیایی برای تشریح تفاوتها کافی نمی‌دانیم. از طرفی تفاوتهای عمده در نظام معیشت روستایی استان هنوز تا حدّ زیادی متّکی به عوامل طبیعی است، لذا

شناخت عوامل مزبور می‌تواند بیانگر علّت تفاوتهای موجود در نرخ رشد جمعیّت روستایی استان در شهرستان‌های مختلف باشد.

جدول شماره (۱) حجم و نرخ رشد جمعیّت روستایی استان طی سال‌های ۷۵-۶۵-۵۵

ردیف	شهرستان	روستایی ۵۵	روستایی۶۵	روستایی۷۵	روستایی۸۴*	نرخ رشد ۱۳۵۵-۶۵	نرخ رشد ۱۳۶۵-۷۵	نرخ رشد ۱۳۵۵-۷۵
۱	بردسکن	۳۴۷۸۵	۴۴۷۸۸	۴۶۷۰۰	۳۹۵۳۵	۲/۵۶	۰/۴۲	۱/۴۸
۲	تایباد	۵۴۳۶۲	۱۱۴۰۶۳	۸۲۰۰۰	۶۵۹۳۳	۷/۶۹	-۳/۲۵	۲/۰۸
۳	تربت جام	۸۲۸۷۰	۱۵۳۸۳۹	۱۳۶۰۷۵	۱۱۵۳۸۳	۶/۳۸	-۱/۲۲	۲/۵۱
۴	تربت حیدریه	۱۷۶۵۶۳	۲۱۰۶۶۳	۲۱۹۵۹۰	۲۱۰۶۵۲	۱/۷۸	۰/۴۲	۱/۱۰
۵	چناران	۷۵۴۳۶	۸۳۶۶۱	۷۵۲۰۶	۶۷۰۴۰	۱/۰۴	-۱/۰۶	-۰/۰۲
۶	خواف	۳۷۹۵۱	۷۶۰۹۴	۶۸۲۴۴	۶۱۲۱۸	۷/۲۰	-۱/۰۸	۲/۹۸
۷	درگز	۴۵۶۶۷	۴۳۶۶۱	۳۹۵۶۸	۳۷۸۲۴	-۰/۴۵	-۰/۹۸	-۰/۷۱
۸	سبزوار	۱۹۰۵۷۴	۲۴۲۷۹۱	۲۳۳۴۹۶	۲۱۱۲۸۹	۲/۴۵	-۰/۳۹	۱/۰۲
۹	سرخس	۲۶۹۰۱	۳۶۷۹۲	۴۵۰۵۷	۵۴۳۷۹	۳/۱۸	۲/۰۵	۲/۶۱
۱۰	فردوس	۴۰۳۸۶	۳۹۲۴۵	۳۸۷۰۰	۳۳۷۸۸	-۰/۲۹	-۰/۱۴	-۰/۲۱
۱۱	فریمان	۲۸۴۲۲	۴۶۰۳۹	۵۰۵۸۹	۴۸۲۴۴	۴/۹۴	۰/۹۵	۲/۹۲
۱۲	قوچان	۱۳۰۹۱۸	۱۴۷۹۹۲	۱۴۰۴۳۶	۱۳۱۱۴۹	۱/۲۳	-۰/۵۲	۰/۳۵
۱۳	کاشمر	۸۱۰۳۲	۱۰۶۷۶۶	۱۰۹۶۵۳	۹۱۳۲۰	۲/۸۰	۰/۷	۱/۵۲
۱۴	گناباد	۵۴۵۴۴	۵۵۷۴۰	۵۴۳۳۵	۵۱۹۸۴	۰/۲۲	-۰/۵	-۰/۰۲
۱۵	مشهد	۲۱۶۰۹۵	۲۹۶۰۶۱	۳۳۹۹۱۳	۳۵۶۸۵۴	۳/۲۰	۱/۳۹	۲/۲۹
۱۶	نیشابور	۱۸۴۶۵۳	۲۴۶۱۵۹	۲۴۳۷۷۳	۲۰۹۴۴۹	۲/۹۲	-۰/۱۰	۱/۴۰
۱۷	استان	۱۴۶۱۱۵۹	۱۹۴۴۳۵۴	۱۹۲۳۳۳۵	۲۴۰۷۲۸۲	۲/۹۰	-۰/۱۱	۱/۳۸

مأخذ: نتایج تفصیلی سرشماری عمومی نفوس و مسکن طیّ سال‌های ۷۵-۶۵-۱۳۵۵

*. برآورد سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان خراسان رضوی.

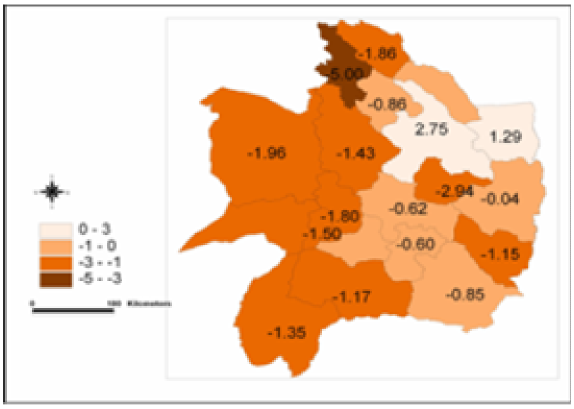
لازم به ذکر است که اطّلاعات شهرستان‌های کلات، رشتخوار و خلیل آباد، که در سال‌های اخیر به شهرستان تبدیل شده‌اند، به دلیل عدم امکان تفکیک به ترتیب در شهرستان‌های مشهد،تربت حیدریه و کاشمر لحاظ گردیده است. شاخص‌های متعددی می‌تواند بیانگر میزان و چگونگی وضعیّت تحرّک جمعیّت باشد. از جمله‌ی این شاخص‌ها می‌توان «جمعیّت مطلق»، «سهم نسبی جمعیّت» و «نرخ رشد جمعیّت» را نام برد.

جدول شماره(۲)نسبت جمعیّت روستایی استان طیّ سال‌های۵۵- ۶۵- ۱۳۷۵ و برآورد۱۳۸۴

ردیف	شهرستان	نسبت روستایی به کل جمعیت–۵۵	نسبت روستایی به کل جمعیت –۶۵	نسبت روستایی به کل جمعیت ۷۵–	نسبت به کل روستایی استان– ۵۵	نسبت به کل روستایی استان– ۶۵	نسبت به کل روستایی استان– ۷۵	نسبت به کل روستایی استان – ۸۴
۱	بردسکن	۸۷/۳	۸۰/۷	۷۲/۹	۲/۳۸	۲/۳۰	۲/۴۳	۱/۶
۲	تایباد	۸۱/۹	۷۸/۶	۶۴/۲	۳/۷۲	۵/۸۷	۴/۲۶	۲/۷
۳	تربت جام	۷۹/۴	۶۹/۵	۶۴/۷	۵/۶۷	۷/۹۱	۷/۰۷	۴/۸
۴	تربت حیدریه	۷۸/۸	۷۱/۴	۶۴/۷	۱۲/۰۸	۱۰/۸۳	۱۱/۴۲	۸/۸
۵	چناران	۸۹/۹	۸۰/۹	۷۰/۱	۵/۱۶	۴/۳۰	۳/۹۱	۲/۸
۶	خواف	۸۵/۱	۸۴/۴	۷۴/۱	۲/۶۰	۳/۹۱	۳/۵۵	۲/۵
۷	درگز	۷۶/۵	۵۹/۵	۵۰/۳	۳/۱۳	۲/۲۵	۲/۰۶	۱/۶
۸	سبزوار	۷۳/۳	۶۴/۶	۵۵/۷	۱۳/۰۴	۱۲/۴۹	۱۲/۱۴	۸/۸
۹	سرخس	۷۹/۸	۶۹/۰	۶۱/۲	۱/۸۴	۱/۸۹	۲/۳۴	۲/۳
۱۰	فردوس	۷۰/۶	۵۱/۳	۴۴/۷	۲/۷۶	۲/۰۲	۲/۰۱	۱/۴
۱۱	فریمان	۹۶/۶	۶۸/۵	۶۵/۲	۱/۹۵	۲/۳۷	۲/۶۳	۲
۱۲	قوچان	۷۶/۵	۶۶/۲	۵۹/۳	۸/۹۶	۷/۶۱	۷/۳۰	۵/۴
۱۳	کاشمر	۷۵/۱	۶۵/۷	۵۸/۷	۵/۵۵	۵/۴۹	۵/۷۰	۳/۸
۱۴	گناباد	۷۷/۲	۵۹/۴	۵۲/۴	۳/۷۳	۲/۸۷	۲/۸۳	۲/۲
۱۵	مشهد	۲۳/۲	۱۶/۷	۱۵/۱	۱۴/۷۹	۱۵/۲۳	۱۷/۶۷	۱۴/۸
۱۶	نیشابور	۷۳/۵	۶۸/۰	۵۹/۰	۱۲/۶۴	۱۲/۶۶	۱۲/۶۷	۸/۷
۱۷	استان	*	*	*	۱۰۰/۰۰	۱۰۰/۰۰	۱۰۰/۰۰	۱۰۰

برای اطّلاع از نحوه‌ی تغییر جمعیّت روستایی، تفاضل نسبت جمعیّت روستایی هر شهرستان در دو دوره ۱۳۷۵ و ۱۳۵۵ محاسبه شده است، تا نشان دهد سهم جمعیّت روستایی در هر شهرستان از کل جمعیّت چه تغییری داشته است.جدول قبل نشان می‌دهد که شهرستان‌های: فریمان، مشهد، خواف، به ترتیب با تفاضل نسبت‌های جمعیّت روستایی به میزان ۴/۴، ۸/ ۱۱ دارای متوسط نرخ رشد ۲/۴ درصد طیّ دو دهه‌ی اخیر بوده‌اند و شهرستانهای گناباد، درگز و فردوس دارای تفاضل نسبت‌های ۲۴/۸،۲۶/۲ و ۲۵/۹ دارای متوسط نرخ رشد جمعیّت روستایی به میزان ۰/۰۵ درصد بوده‌اند. این ارقام به راحتی نشان دهنده‌ی ثبات بیشتر جمعیّت روستایی در شهرستان‌های گروه اوّل است. مطالعات انجام شده نشان می‌دهد که شهرستان‌های مهاجر فرست از درجه‌ی توسعه پایین تر برخوردارند.(یاسوری،۱۳۸۲: ۸۹)

نقشه‌ی شماره (۱) نرخ رشد جمعیت روستایی استان در دهه ۸۵-۱۳۷۵



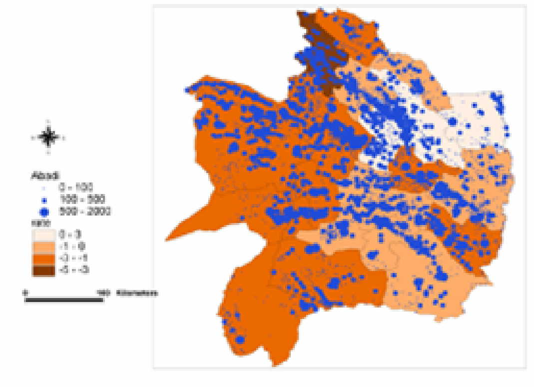
چنانچه عوامل اقتصادی و نظام معیشت زندگی روستایی را به عنوان یکی از عوامل شاخص در تحرّک و جابجایی جمعیّت به حساب آوریم، مبتنی بر این فرض، برای تحلیل تفاوت داده‌های مربوط به نرخ رشد جمعیّت روستایی، اقدام به دسته‌بندیهای جزئی شهرستانی استان می‌نماییم. بر اساس این طبقه‌بندی دسته‌های زیر حاصل می‌شود:

۱. شهرستان‌هایی که دارای نرخ رشد منفی بوده‌اند، شامل: درگز، گناباد، چناران؛

۲. شهرستان‌هایی که دارای نرخ رشد بین ۰ تا ۲ درصد بوده‌اند، شامل: بردسکن، تربت حیدریه، سبزوار، کاشمر، قوچان، نیشابور؛

۳. شهرستان‌هایی که بیش از ۲ درصد رشد داشته‌اند، شامل: تایباد، تربت جام، خواف، سرخس، فریمان و مشهد.

نقشه شماره (۲) وضعیت پراکندگی نقاط روستایی استان



نظام فضایی سکونتگاه‌های روستایی استان خراسان رضوی، تحت تأثیر عوامل متعددی بوده است. از آن جمله می‌توان به عوامل طبیعی و انسانی اشاره نمود. شرایط ناهمواری‌ها، آب و هوا، منابع آب، خاک و پوشش گیاهی، به اشکال مثبت و منفی، در پیدایش روستاها مؤثر واقع می‌شوند. لذا این دسته از عوامل، در استان خراسان سابق، باعث ایجاد سه ناحیه‌ی مشخّص روستایی در شمال، مرکز و جنوب آن شده بود. محدودیّت شیب زمین و سردی هوا در بخش‌های کوهستانی شمال، توزیع فضایی روستاها را تحت تأثیر قرار داده و باعث شده تا بیشترین تمرکز روستایی در پایکوه‌ها و درّه‌ها صورت گیرد. توسعه‌ی روستایی این بخش از استان در افق پنج سال آینده نیز نمی‌تواند چشمگیر باشد، چرا که محدودیّت خاک مناسب و شیب زیاد، امکان توسعه‌ی کشاورزی را بسیار محدود نموده است. این تأخیر شامل نواحی روستایی شهرستانهای درگز، قوچان و کلات است. از طرف دیگر به دلیل وجود جاذبه‌های گردشگری در این مناطق، یکی از مهمترین راهبردهای توسعه، بخش گردشگری روستایی می‌تواند باشد.

در بخش میانی استان به دلیل وجود شرایط طبیعی نسبتاً مساعد آب، خاک و پوشش گیاهی، تراکم روستاهای پرجمعیّت بیشتر بوده و در صورت ایجاد اشتغال در بخش‌های غیر کشاورزی، می‌تواند در آینده نیز یکی از مراکز مهم تمرکز روستایی استان باشد.

در بخش جنوبی استان، به دلیل محدودیّت منابع آب و خاک تعداد روستاهای پرجمعیّت محدود بوده و بیشتر روستاها به صورت پراکنده و کم جمعیّت هستند. این محدوده شامل نواحی روستایی شهرستان‌های فردوس، گناباد و خواف است.

علاوه بر عوامل طبیعی، عوامل انسانی دیگر نیز در توزیع فضایی مراکز سکونتگاهی استان تأثیر زیادی داشته است، که می‌توان به سیاستهای دولتی، نوع معیشت، نوع فعالیّت، سرمایه‌گذاری‌های انجام شده، عوامل قومی و مذهبی و . . . اشاره کرد.

قابلیّت‌ها و تنگناهای توسعه‌ی روستایی استان

در یک نگاه کلّی به توزیع فضایی سکونتگاه‌های روستایی در استان خراسان، متوجه می‌شویم که نقش توان‌های محیطی در توزیع فضایی روستاهای آن از اولویّت خاصّی برخوردار است. با توجه به استعداد مناطق جغرافیایی استان، سکونتگاه‌های روستایی آن در چهار قالب، مراکز با قابلیّت توسعه‌ی زیاد، قابلیّت توسعه‌ی متوسط، قابلیّت توسعه‌ی کم و روستاهای حاشیه‌ای، تقسیم‌بندی شده است.

اساس تقسیم‌بندی توان‌های اقتصادی در مناطق مختلف، اعمّ از: زراعت، باغداری، دامداری، صنعت و . . . بوده است که در مجموع برای رسیدن به این توان‌ها از شاخص‌های مختلف، که نشاندهنده‌ی وضعیّت برخورداری از امکانات تولیدی در سطح نواحی روستایی شهرستان‌هاست، استفاده شده است.

الف) استعدادها و قابلیّت‌های روستایی استان

۱. وجود زمین‌های مساعد جهت کشاورزی؛
۲. وجود مراتع ییلاقی و قشلاقی در بخش‌های شمالی استان خراسان رضوی؛
۳. وجود منابع آب‌های سطحی (کشف‌رود، قره‌چای و...) در قسمت‌های شمالی استان؛
۴. وجود معادن غنی گاز، سنگ آهن، زغال سنگ و . . . در بخش‌های مختلف استان؛
۵. دسترسی به راه‌های ارتباطی ملی و ایجاد زمینه‌ی فعالیّت‌های خدماتی در بخش‌های میانی استان؛

۶. هم‌جواری استان خراسان رضوی با دو کشور افغانستان و ترکمنستان و زمینه‌ی مساعد صادرات کالا؛
۷. وجود محصولات مختلف کشاورزی جهت صادرات (زعفران، زیره، زرشک و...)؛
۸. وجود زمینه‌ی مناسب جهت احداث صنایع تبدیلی در بخش کشاورزی (زراعت و باغداری و دام).

ب) تنگناها و محدودیّت‌ها:

توسعه‌ی نواحی روستایی استان با محدودیّت‌ها و تنگناهایی روبرو است، که برخی از آنها در ابعاد ملّی قرار داشته و مستلزم برنامه‌ریزی توسعه‌ی جامع نواحی روستایی است. برخی از محدودیّت‌های توسعه‌ی روستایی در ابعاد ملی عبارت‌اند از:

۱. نبود بیمه‌ی محصولات کشاورزی و اجرای نامنا سب آن؛
۲. نوسانات شدید در قیمت محصولات صادراتی؛
۳. کمبود نهاده‌های کشاورزی؛
۴. کافی نبودن اعتبارات بانکی و کمبود سرمایه در بخش کشاورزی و دام؛
۵. نبود سیستم اطلاع‌رسانی مناسب و رواج فعالیّت‌های واسطه‌ای و دلالی؛
۶. ناهمگونی نظام آموزشی کشور با نیازهای واقعی جامعه؛
۷. عدم رعایت اصول و ضوابط لازم مبتنی بر علم و فن در بهره‌برداری از اراضی کشاورزی. همچنین بهره‌برداری غیر اصولی از منابع تولید و نیز انجام سایر فعالیّت‌های تأسیساتی و عمرانی مانند احداث جاده وغیره، سالانه حدود ۱/۵ میلیارد تن از خاک‌های کشور در مناطقی که تحت تأثیر فرسایش آبی است از چرخه‌ی تولید خارج می‌شود. (اردشیری، ۱۳۶۷: ۱۳۲)

برخی دیگر از محدودیّت‌های توسعه‌ی روستایی خراسان در سطح منطقه‌ای و محلّی است. این عوامل شامل موارد زیر است:

۱. عدم دسترسی به راه‌های مناسب ارتباطی؛
۲. توزیع نامناسب مراکز خدمات رسانی روستایی و و عدم تجهیز سلسله مراتبی سکونتگاه‌ها، که این موضوع عدم دسترسی به امکانات و خدمات را به دنبال داشته است؛

۳. کمبود منابع آب و مشکل شوری آب و خاک‌های استان، خصوصاً در نواحی مرکزی و جنوبی استان؛
۴. پراکندگی روستاهای کم جمعیّت، به ویژه در نواحی جنوبی و جنوب شرقی؛
۵. عدم وجود مادر شهر ناحیه‌ای در نیمه‌ی جنوبی استان، به گونه‌ای که بسیاری از جمعیّت این مناطق در حوزه‌ی نفوذ شهر مشهد قرار دارند (روستاهای شهرستان‌های فردوس، گناباد، خواف)؛
۶. محدودیّت‌های شدید اقلیمی (پایین بودن میزان بارندگی، بالا بودن درجه حرارت و تبخیر و تعرق و . . .).

راهبردهای توسعه‌ی روستایی استان خراسان رضوی

الف) راهکارهای حفظ جمعیّت روستایی

برای تحقّق توسعه‌ی روستایی در استان خراسان، با توجه به ناپایداری جمعیت، ابتدا لازم است راهبردهایی برای حفظ جمعیّت روستایی استان ارائه و عملی گردد. به این منظور، راهکارهای زیر با توجه به مسائل موجود(قابلیّت‌ها و محدودیّت‌ها) پیشنهاد می شود. لازم به ذکر است، ارائه‌ی راهکارهای عملی نیازمند بررسی‌های دقیق و شناخت همه جانبه‌ی مسائل روستایی استان است، لیکن به دلیل شناخت کارشناسی نگارنده و سابقه‌ی سال‌ها همکاری با سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان، موارد زیر ارائه شده است:

۱. اعمال سیاست هدایت مهاجرت‌ها: سیاست هدایت مهاجرتها باید در جهت مهاجرت سلسله مراتبی باشد، یعنی مهاجرت روستایی به شهر همان منطقه، که ممکن است جزو شهرهای کوچک و یا میانی باشد، صورت گیرد. به منظور دست‌یابی به هدف بالا، شهرهای کوچک و میانی در مناطق باید تقویت شوند. امروزه مهاجرت‌های روستایی عمدتاً به سوی شهرهای بزرگ صورت می گیرد. بررسی‌ها نشان می‌دهد، مبدأ بسیاری از مهاجرین به شهر مشهد، روستاها و شهرک‌های سراسر استان است.
۲. بالا بردن درآمدها و کیفیّت زندگی در روستاها و کاهش فاصله‌ی زندگی شهری و روستایی از طریق اعمال سیاست‌های زیر:
۱ـ۲. حداقل سرانه‌ی زمین برای خانوار کشاورز باید، با توجه به نوع کشت، و حداقل تعداد دام، با توجه به وضع معیشت، به اندازه‌ای باشد که به تأمین زندگی زارع منجر شود؛
۲ـ۲. رواج و گسترش فعالیّت‌های جنبی کشاورزی و دامداری، که هم از نظر اشتغال و هم از نظر تأمین درآمد، مفید واقع شود؛

۳. ایجاد و تقویت ارتباط بین جامعه‌ی روستایی و شهری، از طریق ایجاد و رشد شهرهای کوچک و متوسط، گسترش فعالیّت‌های کشاورزی، عرضه‌ی مستقیم محصولات کشاورزی در شهرهای منطقه، تمرکززدایی فعالیّت‌های خدماتی، ایجاد و گسترش تعاونی‌های سهامی زراعی.

۴. حفظ و احیاء منابع طبیعی محیط‌های روستایی از طریق:

۱-۴. جلوگیری از استفاده بی‌رویّه از زمین کشاورزی، مراتع و اقدام در جهت احیاء مراتع با بذرپاشی، قرق و ...؛

۲-۴. مهار آب‌های سطحی و جلوگیری از آلودگی و هدر رفتن منابع آبی؛

۳-۴. جلوگیری از فرسایش خاک از طریق گسترش جنگل کاری، قرق، مراتع و اعمال روش‌های آبخیزداری؛

۴-۴. حفظ اکوسیستم‌های طبیعی، جلوگیری از پیشروی بیابان، جلوگیری از آلودگی محیط زیست، بخصوص آلودگی منابع آب و خاک.

۵. کاهش جاذبه‌های کاذب شهری و برنامه‌ریزی در جهت رفع دافعه‌های روستایی از طریق:

۱- ۵. سوق دادن امتیازات شهری به روستاها، افزایش مالیات بر فعّالیّت‌های شهری و خدماتی؛

۲- ۵. صنعتی کردن مراکز روستایی، با تأکید بر صنایع کوچک و دستی، صنایع جنبی فعالیّت‌های کشاورزی و دامداری.

۶. مطالعه و بررسی راه‌های کنترل نزولات جوّی به منظور استفاده در مصارف شرب و کشاورزی (اجرای طرح‌های آبخیزداری و آبخوان‌داری، احداث بندها و سدهای ذخیره‌ی آب‌های سطحی، می‌تواند در این زمینه بسیار مفید و کارساز باشد).

۷. حذف و یا کاهش پاره‌ای از وظایف شهرهای بزرگ استان، به ویژه شهر مشهد و سپردن آن به شهرهای رده دوم تا این‌گونه شهرها به‌تدریج از قطبی بودن خارج شده و تعادل‌های نسبی منطقه‌ای شکل گیرد. (Yasoori, ۲۰۰۴ :۴۳۵)

ب) راهکار توزیع بهینه‌ی جمعیّت روستایی

علاوه بر این‌که باید راهبردهایی برای حفظ جمعیّت روستایی اندیشیده شود، لازم است جمعیت مهاجر، که به هر دلیل مجبور به ترک دیار خود می شود، هدایت شود. این مهم به توزیع بهینه‌ی جمعیّت روستایی نیاز دارد. مناطقی از استان توان نگهداشت جمعیّت بیشتری داشته و در برخی از مناطق نیز توان نگهداشت جمعیّت پایین‌تر است. شناخت این مناطق و برنامه ریزی برای توزیع بهینه‌ی جمعیّت از مهمترین موارد برنامه ریزی در ابعاد فضایی و روستایی تلقی می‌شود. برخی از راهبردهای لازم در این خصوص شامل موارد زیر است:

۱. کاهش جمعیّت در مناطق با تراکم زیاد، به ویژه در مناطقی که کشت فشرده دارند. این عمل ممکن است از طریق گسترش فعالیّت‌های اشتغال‌زا در بخش‌های صنعت وخدمات صورت گیرد؛

۲. توجه و تأکید بیشتر به مناطق مستعد کشاورزی توسعه نیافته و شناخت استعدادها و قابلیّت‌های ناشناخته‌ی این مناطق؛

۳. گسترش سطح زیر کشت آبی و تلفیق بیشتر دامپروری کوچک با کشاورزی، به منظور حفظ جمعیّت مناطق؛

۴. افزایش بازدهی و عملکرد در هکتار، از طریق اصلاح گونه‌ها، به‌کارگیری واریته‌های مقاوم به خشکی و شوری؛

۵. خدمات رسانی و سهولت دسترسی به انواع خدمات، به منظور جلوگیری از مهاجرت و تأمین حداقل نیاز از طریق:

۱ـ۵. اصلاح و سازماندهی خدمات رسانی به روستاها از طریق حوزه‌های خدمات روستایی چند سطحی؛

۲ـ۵. هماهنگی بین نیازهای خدماتی روستایی و تصمیم‌گیرندگان (با توجه به محدودیّت امکانات در مراحل اوّل نیازهای اساسی برطرف شوند)؛

۳ـ۵. یکپارچگی میان‌بخشی، هماهنگی دستگاه‌های اجرایی ذی‌ربط با خدمات رسانی، با هدف جلوگیری از اتلاف سرمایه‌ها و رفع حداکثر نیاز بسیار لازم و ضروری است. (تعیین سایت‌های اسکان عشایر باید با توجه به استعدادهای طبیعی و مجاورت با مراکز مجموعه‌ها و منظومه‌ها صورت گیرد).

۶. حفظ مناطق حاشیه‌ای و توسعه نیافته، از طریق گسترش کشت محصولات سودآور، ایجاد فعالیّت‌های غیر کشاورزی به منظور بالا بردن توان نگهداری جمعیّت؛

۷.انجام مطالعات کارشناسی جهت ساماندهی روستاهای پراکنده، خصوصاً در روستاهای کم جمعیّت و طرّاحی الگوی مناسبی از سلسله مراتب خدماتی در سطح روستاهای استان؛

۸. اصلاح شبکه‌ی شهری استان و تقویت شهرهای میانی به منظور توسعه‌ی اقتصادی روستاهای حاشیه‌ی شهرها. یکی از اقدامات اساسی در این راه تنظیم سلسله مراتبی شهرهاست، به گونه‌ای که شهرهای رده‌ی اول از نظر جمعیّت و برخورداری‌ها فاصله‌ی عمیق با رده‌های بعد نداشته باشند. توزیع جمعیّت و امکانات به گونه‌ای صورت گیرد که حدّاکثر جمعیّت استان بتوانند از امکانات برخوردار شوند. روستاهای حاشیه‌ی شهرها، علاوه بر برخورداری از امکانات وخدمات شهری، به ارایه‌ی محصولات مورد نیاز جامعه‌ی شهری می‌پردازند.(یاسوری،۱۳۷۷: ۳۶)

پ) راهکار افزایش درآمد روستایی

این راهکار می تواند به وسیله‌ی: اصلاح نظام مبادله،اصلاح سیستم اطّلاع‌رسانی، رواج الگوهای مناسب کشت، تنوّع بخشیدن به فعالیّت‌های روستایی، تقویت فعالیّتهای جنبی بخش کشاورزی، تجهیز و تقویت مراکز روستایی به خدمات برتر خدماتی و تولیدی، دنبال شود. همچنین راهبردهای عمده‌ی افزایش درآمد روستایی استان، عبارت‌اند از:

۱. تأکید بر توسعه‌ی صنعت در روستاها از طریق ایجاد نواحی صنعتی، استقرار کارگاه‌های صنایع روستایی، به ویژه صنایع وابسته به کشاورزی، دامداری و منابع طبیعی (صنایع روستایی می‌تواند منجر به کاهش نابرابری فضایی در توسعه‌ی اجتماعی، اقتصادی شود. بخصوص در نواحی حاشیه‌ای این موضوع موجب جمعیّت‌پذیری و هدایت مهاجرت‌های بین منطقه‌ای می‌گردد). افزایش بیکاری، تشدید فقروایجاد شکاف درآمدی بین مناطق شهری و روستایی، بیانگر این واقعیّت است که، بدون تدبیر وتنها از طریق سازوکار بازار نمی‌توان به گسترش‌و نشت توسعه به سوی مناطق روستایی امید بست. یکی از راه‌های کاهش شکاف و افزایش زمینه‌های بیکاری و درآمد در مناطق روستایی، گسترش فعالیّت‌هایی است که به محیط و شرایط وابستگی کمتری دارد. کشاورزی در مناطق روستایی استان به صورت سنّتی است و تا حدود زیادی به

شرایط محیطی و آب و هوایی بستگی دارد.یعنی در هر دوره‌ای که شرایط اقلیمی متناسب‌تر بوده، وضعیّت تولید نیز بهتر و در نتیجه درآمد روستایی نیز افزایش یافته است. و برعکس در دوره‌های خشکسالی و کم آبی، میزان محصول و درآمد روستایی به شدّت کاهش می‌یابد. در چنین شرایطی، جستجوی فعالیّتهایی که وابستگی کمتری به شرایط اقلیمی داشته باشد، از مهمترین اقدام در جهت تقویت اقتصاد روستایی کشور تلقی می‌شود. یکی از مهمترین فعالیّت‌ها در این زمینه، صنایع روستایی است. صنایع روستایی، صنایعی هستند که درمناطق روستایی مستقرشده وعمدتاً از نیروی کار روستایی استفاده می کنندو نقش بسیار مؤثّری در تنوّع بخشی به اقتصاد روستایی دارند.(رحیمی، ۱۳۸۳: ۱۱)؛

۲. ایجاد تحوّل در ساختار تولید روستایی، عشایری، از طریق آموزش و ترویج و ایجاد تحوّل در آموزش فنی و حرفه‌ای، به گونه‌ای که آموزش‌ها منطبق بر نیازهای جامعه‌ی روستایی باشد، برقراری سیستم آموزشی سیّار، بهره‌برداری مطلوب از منابع طبیعی با مشارکت روستائیان؛

۳. اعطای تسهیلات اعتباری و معافیّت‌های مالیاتی در زمینه‌ی ایجاد صنایع، ایجاد اشتغال، مسکن و اصلاح ساختار کالبدی. در این زمینه می‌توان با جهت‌دهی مناسب تبصره‌های بودجه (تبصره ۵۰، ۶، ۳۷ و...) به منظور ایجاد اشتغال، تولید و ارایه‌ی خدمات بهره گرفت؛

۴. توسعه و تعمیم آموزش و پرورش، بهداشت و درمان از طریق افزایش سرمایه‌گذاری‌های فیزیکی، انسانی متناسب با الگوی سکونت.

۵. ارائه و اصلاح الگوی کشت متناسب با مزیّت‌های نسبی مناطق و منطبق بر توانایی‌های آب و خاک، اجرای برنامه‌های اصلاح زمین، اعمّ از زهکشی، تسطیح و یکپارچگی اراضی؛

۶. بیمه و بازاریابی محصولات کشاورزی از طریق تقویت شبکه تعاونی؛

۷. آموزش، تأمین موادّاولیه و بازاریابی صنعت فرش و سایر تولیدات صنایع دستی در نواحی روستایی استان؛

۸. تقویت زمینه‌های اشتغال در فعالیّت‌های غیرکشاورزی، به ویژه در بخش جهانگردی.

ت) اصلاح ساختار سکونتگاهی:

مطالعه و طرّاحی ساختار فضایی مطلوب و تجهیز سلسله مراتبی مراکز روستایی از نظر زیربناها، خدمات پشتیبانی تولید و خدمات اجتماعی و فرهنگی در قالب نظام سطح‌بندی خدمات، یکی از مهمترین اقداماتی است که می تواند در تحقّق توسعه‌ی روستایی مؤثر واقع شود. با توجه به محدودیّت منابع و اصل عدالت اجتماعی در برخورداری از انواع خدمات برنامه‌های اسکان، تجمیع و ساماندهی روستاهای پراکنده ضروری است. دستگاه‌های اجرایی مرتبط با فعّالیّت‌های مزبور باید با یکپارچه کردن امکانات از دوباره کاری و اتلاف سرمایه و نیروری انسانی پرهیز کنند. ایجاد و تقویت شهرهای میانی و منطقه‌ای، به طوری که بتوانند در زمینه‌های خدماتی، زیربنایی، فرهنگی و... نقش خدمات رسانی و پشتیبانی را اعمال نمایند. در همین راستا طرح پژوهشی مشترکی میان دانشگاه فردوسی مشهد و سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی خراسان، در سال ۱۳۸۲، با عنوان «سطح بندی خدمات روستایی» به انجام رسیده است. بر اساس نتایج این طرح که در سطح استان خراسان سابق انجام گرفته، نظام سه سطحی خدمات (حوزه، مجموعه و منظومه) پیش‌بینی شده است.(شایان، ۱۳۸۲: ۲۵)

همچنین راهبردهای زیر برای بهبود وضعیّت ساختار سکونتگاهی ضرورت دارد:

۱. بهبود الگوی ساخت و ساز مسکن روستایی از طریق هدایت روستائیان به ایجاد واحدهای مسکونی مقاوم و بهداشتی. یکی از مهمترین مسائل جامعه‌ی روستایی در حال حاضر وضعیّت مسکن روستایی است. علاوه بر این‌که مساکن روستایی از لحاظ رعایت اصول بهداشتی چندان منطبق بر استانداردهای امروزی نیست. در زمینه‌ی استحکام و ایمنی نیز در وضعیّت نامطلوب قرار دارند، با توجه به زلزله خیزی استان خراسان به منظور جلوگیری از خسارت‌های احتمالی مالی و جانی باید با برنامه‌ریزی اصولی در مکان‌یابی سکونتگاه‌ها و ساخت مساکن روستایی در مقابل بلایای طبیعی، اعمّ از: زلزله و سیل و ریزش دامنه‌ها کاملاً ایمن شوند. چرا که مساکن روستایی و تأسیسات و متعلّقات ساختمانی، اراضی مزروعی و باغی ومحل نگهداری از دام وسایر محصولات کشاورزی و بالاخره نقش عملکردی روستاها به عنوان کانون اقتصادی در زندگی روستائیان ، بخش مهمی از اقتصاد روستایی تلقی می‌شود.مساکن روستایی معمولاً استراحتگاه و محل زندگی خانوادگی و همچنین تأمین کننده اهداف اقتصادی آنان می‌باشد.(بهفروز،۱۳۷۴: ۲۵۲)

۲. شناسایی و انتخاب محل‌های مناسب اسکان عشایر، به طوری که این مکان‌ها منطبق بر سیاست سلسله مراتبی سکونتگاه‌ها و یا در مجاورت مراکز مجموعه‌ها بوده تا به انواع خدمات و تسهیلات زیربنایی دسترسی داشته باشند.

منابع و مآخذ

۱. اردشیری،مرادعلی،۱۳۶۷، *مجموعه مقالات اولین کنگره ملی بررسی توسعه کشاورزی ایران*، سازمان تحقیقات و منابع طبیعی

۲. بهفروز،فاطمه،۱۳۷۴، *زمینه های غالب در جغرافیای انسانی*،دانشگاه تهران،چاپ اوّل.

۳. پاپلی یزدی، محمد حسین،۱۳۷۳، *طرح پژوهشی بررسی و طراحی نظام خدمات‌رسانی روستایی استان خراسان*، دانشگاه فردوسی مشهد.

۴. رحیمی، عباس،۱۳۸۳، *تبیین ویژگی‌های صنایع تبدیلی و تکمیلی بخش کشاورزی و صنایع روستایی*، تهران: نشر جامعه‌نگر، دفتر امور صنایع تبدیلی و تبدیلی بخش کشاورزی.

۵. سازمان برنامه و بودجه استان خراسان، ۱۳۷۶، *طرح بلند مدت توسعه استان*، گزارش تفصیلی جوامع روستایی و عشایری.

۶. سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۷۶، *وضع موجود سازمان فضائی کشور و استراتژی‌های بلند مدت توسعه ملی و منطقه‌ای از دیدگاه آمایش سرزمین*، دفتر آمایش و برنامه‌ریزی منطقه‌ای.

۷. سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی خراسان، ۱۳۸۲، *بررسی وضعیت سازمان فضایی استان خراسان*.

۸ سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی خراسان رضوی،۱۳۸۳، *سالنامه‌ی آماری استان* خراسان‌رضوی سال ۱۳۸۲.

مرکز آمار ایران سال، ۱۳۷۷، *نتایج تفصیلی سرشماری نفوس و مسکن سال ۱۳۷۵ استان خراسان*.

۹. سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان خراسان رضوی، ۱۳۸۲، *گزارش اقتصادی و اجتماعی خراسان*، معاونت اقتصادی و برنامه‌ریزی، نشریه شماره ۹۱-۸۳

۱۰. سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی خراسان، ۱۳۸۳، *سند بلند مدت توسعه استان خراسان*، معاونت اقتصادی و برنامه‌ریزی.

۱۱. سازمان برنامه و بودجه استان خراسان، ۱۳۷۷، *آمارنامه استان خراسان سال ۱۳۷۶*،، معاونت هماهنگی و برنامه‌ریزی،

۱۲. سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۷۱، *اصول کلی توسعه و خط مشی‌های بلند مدت آمایش استان خراسان*، دفتر برنامه‌ریزی منطقه‌ای.

۱۳. شایان، حمید، ۱۳۸۲، *بهنگام‌سازی طرح سطح‌بندی خدمات روستایی استان خراسان*، دانشگاه فردوسی مشهد، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی خراسان.

۱۴. مرکز آمار ایران، *شناسنامه آبادی‌های شهرستان‌های مورد بررسی*، ۱۳۷۵.

۱۵. یاسوری، مجید، ۱۳۷۷، *وضعیت جمعیّت روستایی و نحوه‌ی توزیع آن در استان خراسان*، فصلنامه‌ی جمعیّت شماره‌های ۲۳ و ۲۴.

۱۶. یاسوری، مجید، ۱۳۸۲، *طرح پژوهشی تعیین درجه توسعه یافتگی مناطق روستایی استان خراسان*، دانشگاه فردوسی مشهد، دانشکده ادبیات و علوم انسانی.

۱۷–Yasoori,M.۲۰۰۴,"*Reconstruction of Environment for sustainable Development of Khorassan Region*"The Journal of Environment& Development,V.۱۳.December.p۴۲۵–۴۳۷

۱۸- www.mpo-kh.ir